

ماجرای لیست ترور جمهوری اسلامی

در پی موج ترور شخصیت‌های برجسته اپوزیسیون ایران در خارج از کشور آقای ابوالحسن بنی صدر در نشریه انقلاب اسلامی اعلام نمود که از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لیستی از سران اپوزیسیون تهیه شده و گروههای کماندویی مخصوصی جهت ترور آنها به خارج از کشور اعزام شده‌اند. پس از اعلام این خبر برخی از گروههای دیگر اپوزیسیون نیز به تأیید این خبر پرداخته و بنویس خود لیستهای را که مدعی بودند لیست مورد بحث می‌باشد منتشر ساختند. پاره‌ای از نشریات آلمانی زبان از جمله مجله هفتگی "اشترن" نیز به انتشار مطالبی در این مورد دست زدند. پس از آن چند فرستنده تلویزیونی آلمانی در برنامه‌های خبری خود خبر وجود چنین لیستی را پخش کرده و ضمن نشان دادن تصویری از این لیست مدعی شدند که این لیست در اختیار پلیس امنیتی آلمان قرار گرفته است. اگرچه پلیس امنیتی آلمان رسماً از تأیید در اختیار داشتن چنین لیستی خودداری نمی‌نمود، چند پلیس امنیتی با مراجعت به دوست و همکار سازمانی ما آقای دکتر منصور بیات زاده به او هشدار دادند که ناشی در لیست ترور جمهوری اسلامی مشاهده شده و وی باید تدبیر امنیتی بیشتری را برای حفظ جانش اعمال نماید. سازمان سوسیالیستهای ایران در این رابطه به فعالیت پرداخته سعی نمود که از چند وچون ماجرا پرده بردارد. در همین رابطه نامه‌هایی برای وزارت امور خارجه و وزارت داخله آلمان و نامه‌ای نیز برای سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان نوشته و خواستار توضیحاتی در این مورد گردید. وزارت داخله آلمان در پاسخ از وجود چنین لیستی ابراز عدم اطلاع نمود. سفیر ایران در آلمان نیز ضمن نامه‌ایی که پاسخ مذکور مدعی گردید که جمهوری اسلامی ایران ترور را بهر شیوه و بهر دلیلی مردود می‌شمارد. ایشان در نامه خود اظهار نموده بود که بر علیه ناشر این خبر یعنی مجله آلمانی اشترن اقدام قانونی نموده است. سازمان ما از آنجا که پاسخ سفیر ایران را کافی نمیدانست اقدام بنویشن نامه دیگری نمود. در اینجا بمنظور آگاهی عموم از اقدامات انجام شده ترجمه نامه‌های رد و بدل شده با مقامات آلمانی و متن نامه‌های ما به سفارت ایران و پاسخ سفیر ایران در آلمان را بچاپ میرسانیم. همچنین لیست نشان داده شده در اختیار تلویزیونی را نیز بصمیمه اسناد ذکر شده منتشر مینماییم. لازم بذکر است که لیستهای مختلفی که اپوزیسیون ایران منتشر نموده‌اند و لیست پخش شده از سوی تلویزیونهای آلمانی یکسان نبوده موارد اختلاف در آنها مشاهده می‌شود.

حال این سوال بخاطر خطور می‌کند که اولاً گروههای اپوزیسیون لیستهای مورد ادعای خود را از کدام منبع تهیه نموده اند که مابین آنها همسانی وجود ندارد. آیا این لیستها فقط برای داغ کردن تور مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و بر پایه شایعات تهیه و پخش گردیده اند و یا منبع حقیقی داشته‌اند؟ در حالت لغیر گروههای پخش کننده این لیستها باید ضمن اعلام منبع خود و درصد اعتماد به آن علت وجود اختلاف را توضیح دهند. البته این امکان را نیز نباید از نظر دور داشت که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز میتواند جهت مرعوب کردن اپوزیسیون چنین لیستهایی را بیرون داده و به پخش شایعات در مورد آن دامن بزند. اگر حقایق چگونگی در اختیار گرفتن لیستهای مذبور از سوی منتشر کنندگان آنها در دسترس عموم قرار گیرد میتوان صحت و سقم این امر را مورد بررسی قرار داد.

سؤال دیگر اینست که ماجرای لیست مورد ادعای مطبوعات و تلویزیونهای آلمانی چه بوده است. اگر واقعاً پلیس امنیتی آلمان به چنین لیستی دسترسی دارد چرا دولت آلمان آنرا رسمی منتشر نمی‌کند و ضمن اتخاذ تدبیر امنیتی جدی برای حفظ جان اشخاص ناعبرده در لیست چرا در مقام اعتراض علی و مؤثر به جمهوری اسلامی ایران برخیارده و فقط به احضار سفیر ایران به وزارت امور خارجه و گفتگو پشت درهای بسته اکتفا نموده است؟ اما اگر پلیس امنیتی آلمان از وجود چنین لیستی بی اطلاع است چرا به تکنیب اخبار منتشره تعییرداد و دراینصورت مراجعته

جنبش سوسیالیستی

مأمورین پلیس امنیتی به دکتر بیات زاده و برخی دیگر از افراد اپوزیسیون بر چه مبنای بوده است؟ مجرای لیست ترور هر چه که باشد این را ترورهای دکتر کاظم رجوی، دکتر عبدالرحمن قاسملو، دکتر شاپور بختیار، ثابت کرده است که سازمان امنیت ایران در کشورهای اروپایی بسیار فعال میباشد. این ادعا در مجرای ترور دکتر شرفکندي و پارانش و با مدارک بسط آمده پس از آن دقیقاً ثابت شده است. حال دولت آلمان چه سودی از مسکوت گذاشتن قضیه و چه استفاده ای از آن در روابط خود با جمهوری اسلامی میبرد سوالی است که همچنان در پرده ابهام باقی مانده است. وظیفه اپوزیسیون که مستقیماً در معرض این ترورها قرار گرفته اینست که دولت آلمان و دول کشورهای دیگری را که این ترورها در آنجا اتفاق افتاده اند تحت فشار قرار دهند تا ضمن افشاء مدارک بسط آمده و بیگیری قضیه نقش جمهوری اسلامی را در این ترورها روشن نمایند.

هیئت تحریریه نشریه جنبش سوسیالیستی

Todesliste

- | | |
|------------------------------|---|
| 1. Madani | 25. Kambiz Roosta |
| 2. Moghadam | 26. Amir Khos ravi |
| 3. Homayon - Moghadam | 27. Nasim Khaksar |
| 4. Safa - Haeri | 28. Hadi - Mahabadi |
| 5. Naser - Tahmasbi | 29. Matin - Daftari |
| 6. Nader - Naderpour | 30. Allaamehzadeh |
| 7. Abol Hassen - Banisadr | 31. Ali - Khaveri |
| 8. Mansour - Bayatzadeh | 32. Parviz - Khazaie |
| 9. Isfhani | 33. Hassen Nazieh |
| 10. Afshar | 34. Mansoor - Farhang |
| 11. Abdulkarim - Lahyji | 35. Mohssen - Rezaei |
| 12. Aliaschr - Hajsyedjawadi | 36. Hagigi |
| 13. Mamod - Rafi | 37. Hajhamzeh |
| 14. Hassen - Shariattmadari | 38. Shariti |
| 15. Hadi - Khorsabdu | 39. Seyed Mohammad -
Seyed Al Mohaddesin |
| 16. Mehdi - Khanbaba Tehrani | 40. Jalal - Ganjehi |
| 17. Saleh - Rajavi | 41. Hezarkhani |
| 18. Hekmat | 42. Mesbahzadeh |
| 19. Ali Babai | 43. Mzandaerani |
| 20. Babiran | 44. Mehdi - Haeri |
| 21. Farroch - Negahdar | 45. Davari |
| 22. Manoochehr - Ganji | 46. Momken |
| 23. Reza - Pahlavi | |
| 24. Esmail - Khoei | |

جنبش سوسياليستي

۱۳۹۲/۳/۱۷

نامه سرگشاده

به وزرای داخله و امور خارجه جمهوری فدرال آلمان

آقای وزیر محترم

همانگونه که بیشک اطلاع دارید در طول چند سال گذشته تعداد زیادی از رهبران سازمانهای سیاسی مختلف ایرانی در آلمان و اروپا قبایل ضربات تروریستی گردیده اند در پاره ای از این جنایات نظریه ترور دکتر قاسملو (حزب دمکرات کردستان ایران) در وین ، دکتر بختیار (نهضت مقاومت ملی) در پاریس ، دکتر کاظم رجوی (شورای ملی مقاومت) در برمن و دکتر شرفکندي (حزب دمکرات کردستان ایران) در برلین ، حتی عده ای از قاتلین دستگیرد گردیده اند اما متأسفانه دولت های کشورهای مذبور تاکنون ضروری ندیده اند که افکار عمومی را از نتایج تحقیقات خود و دلایل سیاسی و طراحان این ترورها مطلع گردانند روزنامه های آلمانی حتی خبر می دهند که دولت آلمان بخاطر احتراز از بخطر افتادن روابط اقتصادیش با جمهوری اسلامی ، عده ای از مسیبین دستگیر شده این ترورها را آزاد گردانیده است

از طرف اداره مرکزی پلیس شهر ماينس بخش ک ۲۱ (پلیس امنیت ملی) چند روز پيش به دکتر منصور بیات زاده یکی از اعضای رهبری سازمان ما اطلاع داده شده است که زندگیش در خط سو قصی قرار دارد که می باید توسط یک گروه تروریستی که از تهران به آلمان روانه گردیده است ، بهورد اجرا در آید

ما از این نقطه نظر حرکت می نماییم که اولاً " شما در مورد چگونگی این سو قصی و دلایل سیاسی آن اطلاعات بیشتری از ما دارا می باشید و ثانیاً بر این امر واقعید که سازمان ما و شخصی دکتر منصور بیات زاده که مدت ۲۵ سال است در راه برقراری آزادی ، حقوق بشر و دمکراسی در ایران مبارزه می نماید ، قهر را بعنوان حریه ای برای پیشبرد مقاصد سیاسی ، شدیداً رد می نماید

ما بخود اجازه می دهیم که وظیفه حراست از جان دکتر بیات زاده و دیگر افرادی از ابوزیسیون ایران را که در معرفت خطر مرگ قرار دارند ، بعده دولت آلمان بدانیم از اینرو نیز از شما تقاضا ناریم که :

۱- بلاعسله ما و افکار عمومی را در مورد دلایل و مسئولین قتل های سیاسی ایرانیان در آلمان و بخصوص در مورد قتل دکتر شرفکندي و همراهانش دهکردی ، عبدالی و اردلان مطلع گردانید برملا نمودن نام مسیبین این جنایات باعث می گردد که جان اعضاي از ابوزیسیون ایران که اکنون و یا در آینده در معرفت خطر سو قصی قرار دارند ، از خطر مصون بماند

۲- بلاعسله به دکتر بیات زاده و دیگر ایرانیان در معرفت خطر سو قصی اطلاع داده شود کهچه اقداماتی درجهت حفظ جان آنها و مقابله با سو قصدهای برنامه ریزی شده ، بمرحله اجری در آمده اند

با تقدیم احترام

از طرف هیئت اجرائیه سازمان سوسياليستهای ایران

فریبرز جعفریبور

روزنوشت به سفير جمهوری اسلامی ایران در بن - آلمان

جنبش سوسیالیستی

DER BUNDESMINISTER DES INNERN

Geschäftszeichen (bei Antwort bitte angeben)

P I 2/IS 3 - 626 551/9

☎ (0228)

Datum

681-5254 1. April 1993

Der Bundesminister des Innern, Postfach 170290, 5300 Bonn 1

Dienstgebäude Nr. 1

Organisation Iranischer
Sozialisten
Postfach 1428
6500 Mainz

پاسخ وزارت امور داخله آلمان

Sehr geehrter Herr Djafarpur,

جناب آقای جعفرپور.

در جواب به نامه ای که شما در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۹۳ به وزیر داخله آقای زایترز نوشته اید اجازه دارم مطالب زیر را به اطلاعاتان برسانم:

در رابطه با تقاضای شما در مورد انتشار اطلاعاتی در باره قتل چهار نفر از سیاستمداران ایوزیسیون ایرانی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین، مایل مخاطر نشان سازم که این قتل موضوع تحقیقاتی است که توسط دادستانی کل صورت پیگیرد. این تحقیقات هنوز بیان نرسیده اند. بهمین دلیل امکان اظهار نظر در این باره وجود ندارد. مطابق روش کار همینگی دولت فدرال نمیتوان در باره ماجراها که هنوز تحقیقات در مورد آن بیان نرسیده موضعی اتخاذ نمود.

در رابطه با بخطیر افتدن یکی از اعضای رهبری سازمان شما، دکتر منصور بیات زاده، مایل مذکور بشوم که (مطابق دانسته های موجود) اصولا برای تشخیص میزان خطر و اتخاذ روشهای محافظتی مناسب با آن اداره پلیس منطقه ای که شخص مورد نظر در آن سکونت دارد مسئول میباشد. یکی از اقداماتی که باید صورت بگیرد مطلع نمودن شخص از چگونگی خطر میباشد. تا آنجا که از نوشته شما بر میآید این اقدام صورت گرفته است. در مورد جزئیات اقدامات محافظتی خواهش میکنم با اداره مرکزی پلیس شهر ماینس تماس بگیرید.

با تقدیم سلامهای دوستانه

لئن

جنبش سوسیالیستی

۱۳۹۲/۳/۱۲

نامه سرگشاده

به مهندس سید حسین موسویان

سفیر جمهوری اسلامی ایران در بن

جناب آقای سفير

از طرف اداره مرکزی پلیس شهر مايسن بخش ک ۲۱ (پلیس امنیت ملی) چند روز پیش به دکتر منصور بیات زاده یکی از اعضاي رهبری سازمان ما اطلاع داده شده است که زندگیش در خط سو قصدى قرار دارد که می باید توسط يك گروه تروریستی که از تهران به آلمان روانه گردیده است، بمورد اجرا در آيد . بر طبق تحقیقات مقامات مسئول دولتی ، ترور رهبران دیگری از اپوزیسیون ایران چون دکتر قاسطو، دکتر بختیار دکتر رجوی ، دکتر شرفتکنی و ... نیز توسط کماندوهای تروری که از ایران به آلمان اعزام گردیده بودند ، مرحله اجرا در آمده اند .

رد قهر و ترور (از جمله ترور دولتی) بعنوان شیوه مقابله با مخالفین سیاسی خویش یکی از پایه های اصلی باور ماست - سازمان سوسیالیستهای ایران و دکتر منصور بیات زاده برای آزادی، حقوق بشر و دمکراسی و برقراری جامعه پلورال مبارزه می نماید . این ارزشها در آینده نیز مرکز ثقل مبارزات سیاسی ما خواهد بود

آقای سفير

بعد از هر کدام از ترورهای خارج از کشور ، شما بعنوان نماینده دولت ایران هرگونه دخالت جمهوری اسلامی را در این ترور ها شدیداً تکذیب نموده اید . ما از شما می خواهیم که اینبار قبل از وقوع جنایت دیگری نسبت به هر يك از اعضاي اپوزیسیون ایران ، با مقامات مسئول آلمانی در راه جلوگیری از سو قصد های برنامه ریزی شده، همکاری نمائید

با تقدیم احترام

از طرف هیئت اجرائیه سازمان سوسیالیست های ایران
اسمعیل شبان

رونوشت به وزرای امور اخله و خارجه آلمان فدرال - بن

جنبش سوسیالیستی



پاسخ سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان

سفارت جمهوری اسلامی ایران بُن

پرسوست

تاریخ ۱۹/۷/۷۶

شاره

* بسمه تعالی *

هیئت اجراییه سازمان سوسیالیست های ایران ،

نامه سرگشاده مورخ ۹۳/۳/۱۲ آن سازمان امروز ۸/۴/۹۲ ساعت ۱۱۲/۴۳ از طریق

فاکس واصل گردید!

برای اولین بار بانام آقای دکتر منصور بیات زاده آشنا شدم . مطمئن باشید کسی از سسوی
جمهوری اسلامی ایران برای ترور وی و پا هرایرانی اپوزیسیون اعزام نشده و نخواهد شد .
مكتب اسلام که اساس اعتقادات مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران را تشکیل میدهد
تروور را بهر شیوه و بهر دلیلی مردود می شمارد . جمهوری اسلامی ایران خود بزرگترین
قربانی تروریسم در جهان بوده و هست . هزاران نفر از مسئولین و مردم کوچه و سازار
بدست خود فروختگان به آمریکا و صدام در سراسر کشور ترور شدند . تحملی بزرگترین
جنگ بعد از جنگ جهانی دوم توسط عراق که با حمایت همه قدرتهای شرق و غرب عالم
صورت گرفت در حقیقت برای ترور اصل نظام بود . ملت ایران فداکار بیهادی را از خود
برای حفظ نظام و خالک خود بخرج داد که در تاریخ بی نظیر و یاکم نظیر است . شما اگر
ذره ای انصاف می داشتید یک نظامی را که اینگونه مورد ترور و تجاوز قرار گرفته متهیسم

نمی کردید . اطمینان داشته باشید که مسئولین جمهوری اسلامی ایران ذره ای نگرانی از اپوزیسیون موجود ندارند . اپوزیسیون اگر به حفظکشور اعتقاد داشت هنگام تجاوز به خالک ایران از خود تحرکی نشان میداد . اپوزیسیون اگر به ملت ایران اعتقاد داشت هنگامیکه دهها هزار نفر ایرانی زیر بمباران مؤیکهای روسی و میراژهای فرانسوی بسه خالک و خون کشیده میشدند آب به آسیاب دشمن نمی ریخت . اپوزیسیون اگر بنده پشتونه ملی خود اعتماد داشت از پیوستن به ملت اینقدر نمی هراسید . امام خمینی قدس سره بعنوان مخالف شاه علیرغم همه تهدیدهای رژیم حاکم وقت ذره ای هراس به دل راه نداده و به کشور بازگشت . میلیونها انسان ایرانی غیور در فرودگاه تهران و خیابانهای تهران او را روی دست و سرخود گذاشتند . درواقع او به پشتونه ملت مستحضر بود و برای همیشه به مبارزین واقعی نشان داد اگر راست می گوید که ملت پشت سر شماست از پیوستن به ملت نه راسید .

آقایان سوسياليست های ایران ! اگر در ترور و جنایتی شرکت نداشته اید میتوانید به کشور خودتان بازگشته وبا مردم خود تنفس کرده و به کشور عزیز ایران خدمت کنید . یقینی داشته باشید اگر هدف شما آزادی ، حقوق بشر و دمکراسی است در اظهار نظرات خود در داخل کشور هیچ مشکلی نداشته و مورد حمایت نظام قرارخواهید گرفت . اگر نیز امروز نظام جمهوری اسلامی ایران از واشنگتن تا حل آوبو و توسط همه قدرتهای اسلائی امپریاليستی غربی و شرقی مورد حمله قرار گرفته بخاطر مبارزه برای استقلال : و آزادی ایران عزیز است . اگر غیر از این بود همه قدرتهای شیطانی غربی و شرقی برای ما کاف می زدند . اینکه ملت مسلمان ایران با دهها هزار شهید خون خود را فدای اسلام و ایران کردند برای استقلال و آزادی ایران عزیز بود در غیر اینصورت امروز صدام و آمریکا باید بر ایران حکومت می کردند .

شما که رسالت خود را آزادی و استقلال ایران میدانید بدانید که درهیچ برهه ای

جنبش سوسیالیستی

از تاریخ کشور ایران نمی‌توان اینهمه سلحشوری، مبارزه، جهاد، شهادت و شامست
از ملت ایران برای حفظ اسلام و ایران مشاهده کرد و برای هر ایرانی مدعی مبارزه برای
آزادی و استقلال ایران شرم آور خواهد بود که به چند بیانیه و اطلاعیه دلخوش کسرده
باشد.

بر پایان مایلم به اطلاع شما برسانم که بلا قابلیه بعد از انتشار خبر لیست تیور
یکمد اپوزیسیون توسط مجله اشترن بنده اقدامات ذیل را بعمل آورده‌ام:

۱- فوزا " در وزارت خارجه آلمان ملاقات و ضمن اعلام همکاری کامل جمهوری اسلامی ایران
با دولت آلمان برای حفظ جان اتباع ایرانی از آنها خواسته‌ام کم و کیف این خبر دروغ را تسا
به آخر تعقیب کنند.

۲- علیه مجله اشترن اقدام قانونی کرده و از آنها خواستیم ادعای خود را ثابت کنند.
مدعی شده بودند که جمهوری اسلامی ایران در اولیه مهمناسرا دارد، یک عراقی سلاح
در آنجا بوده و حامل یک لیست ۱۰۰ نفری اپوزیسیون ایرانی برای ترور بوده است. وکیل
مجله اشترن بعد از اطلاع از اقدام جدی ما به دست و پا افتاده و هیئت تحریریه
مجله اشترن در شماره این هفته خود همه مطالب گزارش قبلی را تکذیب کرده است. اما
ما دست بردار نبوده و تلاش خواهیم کرد آنها را به دادگاه کشانده تا در دادگاه موضوع
را روشن کنیم. لذا اپوزیسیون یا پلیس آلمان نباید با چنین خبری محتواش اینقدر
هراس پیدا کنند.

بهرحال مطمئن باشید بنده در خدمت کلیه اتباع ایرانی برای دفاع از جان آنها
و حل مسائل و مشکلات آنها هستم.

سید حسین موسویان
سفیر جمهوری اسلامی ایران
بن بتاريخ ۱۹۹۳/۴/۸
ساعت ۱۸/۳۰

نامه سوگشاده

ماينس ۲۲ / ۴/۸

به مهندس سيد حبيب موسويان

سفير جمهوري اسلامي ايران در بن

نامه مورخ ۷۲/۱/۱۹ (۹۲/۴/۸) جنابعالی در پاسخ به نامه سرگشاده هيئت اجرائي سازمان سوسياليستهاي ايران مورخ ۹۲/۲/۱۲ را با تشكير دريافت داشتيم . اجازه مي خواهيم جواب نامه را با جمله آخر نامه شما شروع نمائيم . شما در نامه تان مرقوم فرموده ايد " بير حال مطعن باشيد بمنه در خدمت كلية اتباع ايراني برای دفاع از جان آنها و حل مسائل و مشكلات آنها هستم . " .

باعث خوشحالی است که جنابعالی پعنوان تعابيرده جمهوري اسلامي ايران در المان حاضر هستيد به يكى از اصول جهان شمول دبلوماتيك بين الملي يا يبيند باشيد . اميد است که باين امر نيز واقف باشيد که بهان چنین جملاتي با خود يك سري مسئولياتهاي علی را بهره خواهد داشت .

شما در نامه تان يکسرى از مواضع تبلیغاتي جمهوري اسلامي را تکرار نموده ايد که با خود اتهامات و پيش ناورپايهائى نسبت به کل اپوزيسيون را در بردارد . پاسخ به يك يك مسائل مطرح شده از سوي شما از حوصله اين جوابيه خارج است ، ولی ما سعى خواهيم كرد در نشرие سازمان " مجله جنبش سوسياليستي " به آنها پاسخ گوئيم و در اينجا تنها به بعضی از نکات نامه شما مي پردازيم :

۱ - نوشته ايد " عليه مجله اشترين اقدام قانوني كرده و از آنها خواستيم ادعای خود را ثابت كنند ... وكيل اشترين بعد از اطلاع از اقدام جدي ما به دست و پا افتد و هيئت تحريريه مجله اشترين در شماره اين هفته خود همه مطالب گزارش قبل را تکذيب كرده است اما دست بردار نموده و تلاش خواهيم كرد آنها را به نادگاه کشانده تا در نادگاه موضوع را روشن کييم لذا اپوزيسيون يا پليس المان نباید با چنین خبر بي محظاوي اينقدر هراس پپا کند " با اقدام شما عليه مجله اشترين هيچگونه مخالفتی نداريم يكى از خصوصيات کشورهايکه به اصول دمکراسى و آزادى پاي بند مي باشد ، قانونا براين اصل استوار است که راجع به اخبار منتشر شده در روزنامها ، مجلات و راديو تلوزيون تکذيب نامه های افراد و ادارات ذينفع را بدون توجه به محتواي آن منتشر مي کنند - چيزی که اميد است روزی در ايران نيز به آن عمل شود - اما مجله اشترين نيز مطالب مندرج در شماره ۸ خویش (۹۲/۲/۱۸) را آنطور که شما ادعای نموده ايد تکذيب نکرده است . بلکه تنها تکذيب نامه شما را در اين مورد که " سفارت ايران در اوليه مهاب سرا ندارد " را در شماره ۱۵ خود (۹۲/۴/۸) به چاپ رسانيده است و فقط در اينمرد شخص بشما حق داده است . در حاليكه نه شما بساير اتهامات مندرج در مجله اشترين شماره ۸ پروناخته ايد و نه مجله اشترين ادعاهای خود را پن گرفته است . ادعای اصلی مجله اشترين اينست که " پن از سوچند بجان سه نفر از اعضای اپوزيسيون ايران و يك مترجم در رستوران مي کونيس (برلين) بتأريخ هفدهم سپتمبر سال گذشته ، ماموران مخفى تهران و دبلومات هاي ايراني مقيم المان مورد ظن قرار دارند که مسئولين پشت پرده اين ماجرا باشند " و نيز اينکه اين ماجرا باعث تيوكى مجدد روابط ايران و المان شده است . البته اشترين از ليست صد نفره بوخوم که ببست و سه نفرشان تا کون بقتل رسيده اند نيز صحبت ميکند که تکذيبنامه شما در اين مورد نيز سکوت اختيار نموده است . تعقیب قانونی اشترين به روش کردن يك سري از مسائل كمک خواهد كرد . اميدواريم که روزی اين نادگاه تشکيل گردد ! سئوالی که در اينجا مطرح است اينست که چرا تاكتون علیه وسائل ارتباط جمعی که دبلوماتها و مامورین جمهوري اسلامي ايران را متهم به قتل رهبران اپوزيسيون نموده اند ، چنین علی را انجام نداده ايد ؟

اما ، علی که باعث شد تا سازمان سوسياليستهاي ايران نامه سرگشاده مورخ ۹۲/۲/۱۲ را به شما و مقامات العاني

جنبش سوسیالیستی

ارسال نارد، بهیچوجه در رابطه با مطالب مندرج در اشتون نبود، بلکه برایه اعلان خطر پلیس‌امنیت ملی آلمان بود.
لازم است که شما به مقاعد کردن مقامات امنیتی آلمان بپردازید تا پلیس امنیتی آلمان ادعای شما را مینی برو :
"کسی از سوی جمهوری اسلامی برای ترور ... ایوزیسیون اعزام نشده و نخواهد شد" را بپذیرد . مگر آقای علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت کشور در مرداد ماه سال قبل در یک مصاحبه تلویزیونی در تهران بیان نداشت که غربه های بزرگ متوجه ایوزیسیون خارج از کشور نموده است ؟ و با آیت الله خلخلی در خاطراتش از ترور عده ای از افراد ایوزیسیون از جمله شهریار شفیق و سرشکر غلامعلی اویسی در فرانسه پرده برنداشت ؟ "هران" پلیس و ایوزیسیون بحق می باشد ! به عملکرد تا کنونی پلیس امنیت ملی آلمان که نسبت به حفظ جان رهبران و فعالین ایوزیسیون ایران - که در این کشور پناهندۀ سیاسی می باشند - حساسیت بخراج ناده است ، کوچکترین ابرادی نمی تواند وارد باشد . اگر چه ضرورت دارد تا این مراقبت شد یابد ! مگر در ظرف همین یکی دو سال گذشته تعداد زیادی از رهبران و فعالین سرشناس ایوزیسیون در کشورهای فرانسه، سوئیس، اتریش، انگلستان، ترکیه آلمان، قبرس، پاکستان و ... به قتل نرسیدند . تنها در کشور آلمان در ظرف همین یکسال گذشته ۵ نفر تسریع شدند . فریدون قزخزاد در بن و دکتر شرفکندي ، نوری دهکردی ، عبدی و اردلان در برلین .

۲ - در نامه شما می خوانیم :

"آقایان سوسیالیست های ایران ! اگر در ترور و جنایتی شرکت نداشته اید می توانید به کشور خودتان بازگشته و با مردم خود تنفس کرده و به کشور عزیز ایران خدمت کنید . یقین داشته باشید اگر هدف شما آزادی ، حقوق بشر و دمکراسی است در اظهار نظرات خود در داخل کشور هیچ مشکلی نداشته و مورد حمایت نظام قرار خواهید گرفت ." ، برای ما روشن نیست ، منظور شما از بکار بردن جمله " اگر در ترور و جنایتی شرکت نداشته اید " چیست ؟ آیا می خواهید بیان نارید که هزاران نفر از افراد ایوزیسیون و معترضین به عملکرد رژیم جمهوری اسلامی ایران که به جوشه های اعدام سپرده شده اند ، حتا" در " ترور و جنایتی " شرکت نداشته اند ؟ و تا کنون در جمهوری اسلامی کسی تنها بخاطر عضویت در سازمانهای ایوزیسیون ، داشتن عقاید سیاسی و سلکی و یا مذهبی که با نظرات جناب حاکم مغایرت داشته است و یا شرکت در تظاهرات و پخش اعلامیه اعدام نشده است ؟ در این مورد مشخصی هر یک از بخش های ایوزیسیون و همچنین خانواده های جانباختگان حاضر و قادرند در هر دادگاه بیطریقی که باشد عکس این ادعا را ثابت کنند .

جناب آقای سفیر، گمان داریم بخاطر آزمایش پیشنهاد جنابعالی بهیچوجه احتیاج به این امر نباشد که یک سوسیالیست ایرانی از یکی از شهرهای اروپا و یا آمریکا - که مجبور به اقامت در آنجا شده است - به ایران باید و یا یکی از دوستان سازمانی ما در ایران که از ابراز تعلق سازمانی خود بخاطر " هراس " از زندان شکجه ، نایابی تلویزیونی و اعدام ایا نارد، خود را بمقامات ایرانی معرفی کند، زیرا نونه های فراوانی را سراغ داریم که خصلت تبلیغاتی پیشنهاد شما را بر ملا می سازد

ممکن است توضیح دهد که چرا آقای مهندس مهدی بازگان رهبر سازمان " نهضت آزادی " ایران ، اولین نخست وزیر بعد از انقلاب و یا اعضای کابینه ایشان که از اعضاي "جبهه ملی ایران" و سازمان " نهضت آزادی ایران " بودند، حق فعالیت سیاسی در ایران را ندارند ؟ چرا " جبهه ملی ایران " سازمانی که به رهبری مصدق یکی از بزرگترین مبارزات ملی ایران ، یعنی ملی شدن صنعت نفت را به پیروزی رساند، حق فعالیت سیاسی ندارد ؟ چرا علی اردلان و " جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران " اجازه فعالیت ندارند ؟ آیا این نیروهای ملی گرا و مصدقی در " ترور و جنایتی " شرکت نداشته اند که امکان فعالیت سیاسی از آنان سلب شده است ؟

جناب آقای سفیر هر کس که با تاریخ سیاسی ایران آشنائی داشته باشد ، حتا" می داند که ما پیروان راه مصدق صرفنظر از اینکه عضو حزب ایران ، نهضت آزادی ایران ، جامعه بازگانان و پیشه وران وابسته به جبهه ملی ایران ،

جنبش سوسياليستي

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران ، سازمان سوسياليستهای ایران و ... باشیم، بخشی از هیئت سیاسی مان در رابطه با دفاع از حاکمیت ملی، آزادی ، استقلال و تامیت ارضی ایران می باشد . طرفداران مصدق نه تنها از " ملت ایران هراسی" ندارند، بلکه بخشی از مبارزه ما علیه پایمال کردن حقوق ملت ایران توسط هیئت حاکمه جمهوری اسلامی انجام می گیرد ..

اصولاً " هیچ اطلاع نارید که یکی از خواستهای محوری چیزهای ملی ایران، سازمان مصدق، که با همت دکتر سید حسین قاطعی، آیت الله زنجانی، دکتر غلامحسین صدیقی، محمود نریمان، دکتر علی شایگان، دکتر کریم سنجایی، مهندس کاظم حسینی، الیار صالح، دکتر شاهپور بختیار، شعبنی، علامرضا تختی، حاج مانیان، دکتر آنر و ... بر محور خواست انتخابات آزاد در مبارزات شانزدهمین دوره قانونگذاری مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۲۸ تأسیس شد، در مدت ۴۲ سال گذشته برگزاری انتخابات آزاد بوده است ؟ . مگر مقدمات حاکمیت ملی نباید از طریق انتخابات آزاد فراهم شود ؟

آقای سفیر ، مطمئن باشید هر زمان که در ایران انسانها بخاطر وابستگی سلکی و سازمانی شان تحت پیگرد قرار نگیرند، نه تنها آنقدر از سوسياليستهای ایرانی که مجبور به اقامت در خارج از کشور شده اند، بلکه ملیونها ایرانی پناهنده و آواره به آتش وطن باز خواهند گشت ؟

۴ - شما در نامه خود همچنین به تبلیغاتی که علیه جمهوری اسلامی در سراسر جهان در جریان است اشاره کرده و مدعی شده اید که: " جمهوری اسلامی ایران خود بزرگترین قربانی تروریسم در جهان بوده و هست" و بعد خطاب به ما چنین می گویید : " شما اگر ذره ای انصاف می داشتید یک نظامی را که اینگونه مورد ترور و تجاوز قرار گرفته متمم نمی کردید ... ایوزیسیون اگر به حفظ کشور اعتماد داشت هنگام تجاوز به خالک ایران از خود تحریک نشان می داد . . .

هر چند جنابعالی به تبلیغاتی که علیه جمهوری اسلامی در سراسر جهان بريا است بطور مشخص نبرداخته اید، ولی ما ضروری می دانیم ، آن بخش از تبلیغات را که در رابطه با پایمال شدن حقوق بشر، آزادی و دمکراسی میباشد، تائید کنیم . در حالیکه مثلاً توطئه بخشی از نیروهای ایوزیسیون و دولت های بیگانه از جمله برخی از کشورهای عربی را علیه تامیت ارضی و استقلال ایران ، همیشه محکوم کرده و می نماییم . شما که بنا به گفته خودتان نسبت به ایوزیسیون و فعالین و رهبران آن آشنازی ندارید، روشن نیست اصولاً بربایه چه شناختی به قضاوت نشسته اید ؟ ما نه تنها از روز اول ، تجاوز عراق را به خالک میهنمن ایران و همچنین کشور های حامی آنرا محکوم کردیم ، حتی دولت آمریکا را بخاطر سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران بشدت محکوم کردیم و این مسئله در آنزمان انعکاس جهانی یافت - فعالیت های ما در همکاری با جنبش صلح و دیگر نیروهای ملحدوست بخاطر پایان نادم بجنگ ندارای ابعاد وسیعی است که در مجله جنبش سوسياليستی به آنها اشاره خواهیم نمود - در عین حال ما همچون سازمان نهضت آزادی و جیوه ملی ایران و دیگر ملیون خواستار خانه جنگ پس از اخراج نیروهای متاجم عراق از خالک میهنمن ایران بودیم ، امری که از جانب مقامات دولتی و دستگاههای تبلیغاتی جمهوری اسلامی به تهانه فتح کریلا و قدس شدیداً مورد حمله قرار گرفت و موجب تشدید فشار و خفقات در مورد طرفداران پایان نادم بجنگ همچون مهندس بازگان ، علی اودلان و ... گردید

۵ - شما می نویسید: " اطمینان داشته باشید که مسئولین جمهوری اسلامی ایران ذره ای نگرانی از ایوزیسیون موجود ندارند ..".

آیا منظور شما از بیان این جملات این نیست که هر زمان مسئولین جمهوری اسلامی از سوی افرادی از ایوزیسیون احساس خطر نماید، توسط کماندوهای ترور کلک آن عناصر را خواهد کرد ! و اگر این چنین نیست و شاهمندی که - خطاب بنا سوسياليستهای ایران نوشته اید - بر قبول " آزادی ، حقوق بشر و دمکراسی " تأکید نارید ، این سوال مطرح است که چرا هیچیک از طیف های ایوزیسیون حق فعالیت قانونی در ایران را ندارند ؟ شما اگر

جنبش سوسیالیستی

" ذره ای نگرانی از ابوزیسیون موجود ندارید " و هنوز از بشتیبانی " میلیونها انسان ایرانی " برخوردارید ، چرا جلوی فعالیت قانونی ابوزیسیون را گرفته اید ؟ هیچ می دانید که در کشورهای استبدادی حق فعالیت از ابوزیسیون سلب می شود و نه در جوامع دمکراتیک ؟

۶ - شما همچنین در نامه ثان نوشته اید که : " نامه سرگشاده مورخ ۹۳/۲/۱۷ آن سازمان امروز ۹۳/۴/۸ ساعت ۱۲/۴۲ از طریق فاکس واصل گردید ".

ما نامه سرگشاده به شما را با پنظام نامه هاییکه برای ارسال به وزارت خانه های امور خارجه و امور داخله آلمان تهیه شده بودند، پانظام ترجمه فارسی آنان که جمعاً هفت صفحه بودند را قبل از همه برای شما توسط فاکس ارسال داشتیم . قبض فاکس به سفارت ایران در ران لیست قیمهای دیگر گیرنده های نامه ها از جمله فراکسیونهای مجلس آلمان ، احزاب آلمان ، مقامات دولتی ایالت رایتلند فالز ، فراکسیونهای مجلس و احزاب رایتلند فالز و همچنین مقامات و احزاب شهر ماينس و مطبوعات ... بصورت تومار وجود دارد ! خواهشمند است روش نماید که چرا و چگونه نامه ما با تاخیری پیست روزه بدست شما رسیده است ؟

در خاتمه امید است که فعالیت های جنابعالی در زمینه حفظ جان اتباع ایرانی فقط به تکذیب خبر مندرج در مجله اشترن مبنی بر اینکه " سفارت ایران در اولپه مهانسا ندارد " خلاصه نشده، بلکه همانطور که در نامه مورخ ۹۳/۲/۱۷ سازمان سوسیالیستهای ایران از شما خواسته شد در رابطه با خطری که جان عده ای از اعضای ابوزیسیون ایران را تهدید می کند، بطور جدی با مقامات امنیتی آلمان همکاری نموده و افکار عمومی را از نتایج آن با خبر نماید .

با تقدیم احترام

از سوی هیئت اجراییه سازمان سوسیالیست های ایران

دکتر منصور بیات زاده

بندی گسته است .

خوابی شکسته است .

رؤیای سرزین

افسانه شکفتمن گلهای رنگ را

از یاد برده است .

بی حرف باید از خم این ره عبور کرد :

رنگی کنار این شب بی مرز مرده است .

شهراب سپهری

منبع: نشریه سازمان سوسیالیستهای ایران - شماره ۲۵ - سال ۱۳۷۳ / ۱۹۹۳

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران در روز چهارم ۲۶ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۵ آبریل ۲۰۱۱